

قضیه بیخ پیدا کرد ...

داستان آموزنده گنجشک وفیل

● **بوريا عالمي**: يکي بود يکي نبود. گنجشکی بود که خودش را عقاب می دید و توی محل برای مرغ و خروس ها خطونشان می کشید. مرغ و خروس ها جدی ش نمی گرفتند و پرنده‌ها بهش می خندیدند و کلاغ‌ها دستش می انداختند و عقاب‌ها هم هرگز سرخ نمی کردند ببینند کی با آی‌دی آنها صفحه درست کرده است.

داستان اول

خلاصه گنجشک قصه ما یک بار توی مسابقه قوی ترین جاندار محله شرکت کرد و توی قرعه‌کشی افتاد به آقافيله.

مردم که توی خانه نشسته بودند تا به صورت اس‌ام‌اسی به شرکت‌کننده‌ها رای بدهند، شروع کردند مسخره‌کردن گنجشک. گنجشک اما با آمادگی کامل، با گوشی هدفون بی‌سیم در گوش و تیم قوی مشاوره، توی میدان مسابقه حاضر شد. فیل در اولین قدم یک فوت کرد و گنجشک چرخید و چرخید و رفت و رفت و خورد به درخت و کرک‌وپرش کامل ریخت. مردم که فکر می‌کردند فیل برنده شده، شروع کردند فیل را قلمدوش‌کردن که یکهو گنجشک که کرک‌وپرش ریخته بود، بلند شد و گفت: الکی زرتی خوشحالی نکنید... من تازه لباسم رو درآوردم که بزنم پدر فیله رو درباریم.

بیخ قضیه

شما فکر می‌کنید ما شوخی می‌کنیم، ولی گنجشکه همین‌طوری خنده‌خنده هفدهه سال شد رئیس انجمن فیل‌ها و لیفی به تن فیل‌ها کشید که ئپرس.

نتیجه‌گیری

هیچ‌وقت گنجشک را دست‌کم نگیرید، حتی اگر فیل هستید.

داستان دوم

همین گنجشک ما بعد از اینکه چندتا پروژه گرفت، توهم برش داشت و شروع کرد با سرعت ویراژرفتن که یکهو خورد به یک موتور. گنجشکه بر اثر ضربه وارده از هوش رفت و وقتی به‌هوش آمد، دید توی قفس است. با خودش گفت: اوخ... یعنی موتوره مرد؟

بیخ قضیه

شما فکر می‌کنید ما شوخی می‌کنیم، ولی واقعا موتوره‌به مرده بود. چون گنجشک رفته بود توی چشمش و موتوره‌به از جاده خارج شده و از روی پل پرت شده بود پایین.

نتیجه‌گیری

هیچ‌وقت پل را دست‌کم نگیرید.

شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۶ • ۱۰ شعبان ۱۴۳۸ • ۷ می ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۸۵۷ • ۲۰ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۱۶ • اذان صبح فردا ۴:۲۰ • طلوع آفتاب ۶:۰۵

روزنامه‌فرا



در مناظره دوم انتخابات ریاست‌جمهوری، مطالب مختلفی مطرح شد که هر یک در جای خود، درخور بحث و تأمل است. در اینجا صرفا به یک مورد از موارد مطرح‌شده در این مناظره اشاره می‌کنیم:

یکی از کاندیداهای محترم پیشنهاد کردند که کاندیداهای دوازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری، هر یک صورت ثروت خود را مطرح و اعلام کنند.

باید توجه داشت که تعدادی از کاندیداهای حاضر در این مناظره، از این نظر مشمول اصل ۱۴۲ قانون اساسی و برخی دیگر از آنها، مشمول قانون تقریبا جدیدالتصویب مجمع محترم تشخیص مصلحت نظام هستند. بنابراین در مورد شخص رئیس‌جمهور و معاون او و همچنین وزرای فعلی، این کار انجام شده و آنها دارایی‌های خود را به قوه قضائیه اعلام کرده‌اند. اما در مورد سایرین - تا

نکته

قزاقستان یا کازاخستان؟

● **شهریار خواجهان**، مترجم: تقریبا در همه ادبیات نوشتاری و گفتاری فارسی نام جمهوری کازاخستان (Kazakhstan)، «قزاقستان» نوشته و خوانده می‌شود؛ مثلا این روزها در خبرها می‌خوانیم و می‌شنویم که هم‌الکون هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در آستانه، پایتخت جمهوری آسیای‌مرکزی «قزاقستان»، حضور دارد تا درباره طرح صلح سوریه با هیئت‌های نمایندگی سوریه، روسیه و مخالفان و دیگران مذاکره کند (نقل به مضمون)، اما درواقع اطلاق نام قزاقستان به این بزرگ‌ترین جمهوری آسیای‌مرکزی اشتباه و غلط است؛ غلطی که متأسفانه از دیرباز و حتی پیش از فروپاشی شوروی مرسوم بوده است، زیرا که نام کشور «قزاق»‌ها که معرب نام کوزاک (Cossaks) است را متبادر می‌کند که به‌واقع چنین نیست. مطابق اسناد تاریخی، کوزاک‌ها گروهی عمدتا سفیدپوست و اسلاو‌نژادند که بیشتر در اوکراین و جنوب روسیه و در حاشیه رودهای ولگا- دن زندگی می‌کرده‌اند و ربطی به کاراخ‌ها (Kazakhs) که ترک‌نژاد و اقوام آسیای‌مرکزی هستند، ندارند. البته در زمان جنگ جهانی دوم و شاید پیش از آن شمار زیادی از مردم روسیه و احتمالا همین کوزاک‌ها بنا بر ملاحظات جنگی و استراتژیکی از غرب اتحاد شوروی پیشین به مناطق شرقی آن، ازجمله کازاخستان مهاجرت کرده یا کوچانده شدند، به‌طوری‌که روس‌تباران بسیاری را در فیلم‌ها و تصاویر می‌بینیم و درباره‌شان می‌خوانیم که اهل این کشور هستند و زیر پرچم این جمهوری در مجامع بین‌المللی حضور می‌یابند، اما اگر حتی بپذیریم که گروه‌هایی از آنان کوزاک‌های ساکن منطقه ولگا- دن بوده باشند، باز هم دلیل نمی‌شود که نام این جمهوری را به‌جای نام راستین آن، کازاخستان، قزاقستان بگوییم و بنویسیم که نامی غیرواقعی و حتی جعلی است. نام قزاق در تاریخ ۱۵۰ساله اخیر ایران با ورود نخستین هنگ کوزاک (cossaks) به ایران در زمان ناصرالدین‌شاه باب و متأسفانه ماندگار شد. در آن دوران رسم بود که نام‌های خاص خارجی را به صورت معرب درمی‌آوردند؛ مانند تلگراف که به تلغراف، دالگورکی به دالقورقی و ... و کوزاک به قزاق تبدیل شد. متأسفانه این نام تاکنون برقرار مانده و با شکل‌گیری اتحاد شوروی در ۱۹۱۷ و بعدها جمهوری آسیای‌میانه کازاخستان، موجب بدفهمی و غلط‌سازی‌های بسیار از این دست شده است. انتظار منطقی از وزارت خارجه این است که این مسئله مهم را با رجوع به اسناد و مدارک تاریخی و نیز رایزنی با مقام‌های سفارت این کشور بررسی و راستی‌آزمایی کند و پس از حصول اطمینان از حقیقت امر مراتب را از طریق رسانه‌های گروهی نوشتاری، دیداری و شنیداری به آگاهی عمومی برساند.

مناظره

اشکالات حقوقی چالش ثروت

در هر دو صورت، باید به این نکته توجه شود که اعلاماتی که در اجرای اصل ۱۴۲ قانون اساسی به رئیس قوه قضائیه می‌شود، اسرار حرفه‌ای محسوب می‌شود و محرمانه است.

در مورد مشمولان مصوبه تشخیص مصلحت نیز، با توجه به نص خود قانون، افشای این اطلاعات ممنوع و قابل مجازات است. بنابراین اجابت خواسته کاندیدای محترمی که چنین پیشنهادی داشتند اصولا با اشکال مواجه است. واضح است که اعلام عمومی این قبیل اطلاعات می‌تواند تبعات منفی گسترده‌ای داشته باشد و مورد سوءاستفاده قرار بگیرد.

به‌عنوان یک جایگزین، شاید بتوان به کاندیداهای محترم پیشنهاد کرد هزینه‌های تبلیغاتی خود را تا این زمان و سپس تا روز پایان تبلیغات با تصریح به مشا و منابع آن اعلام فرمایند.

این درخواستی است که بارها از جانب افراد مختلف مطرح شده و از سوی دیگر، درخصوص میزان این هزینه‌ها و تأمین‌کنندگان آن و اینکه چرا این هزینه‌ها را مقبیل شده‌اند، سخنان بسیار گفته شده و می‌شود، اما هرگز در این مورد روشنگری عملی صورت نگرفته است.

والله اعلم.

تا انتخابات

بررسی کوتاه فرهنگ در سه دوره ۸ساله

نمی‌خواهیم نگاه امنیتی باز گردد

میزان همین توجهات آنها به مقوله فرهنگ بوده است. فارغ از روزهای جنگ تحمیلی که کشور آن چنان با تنگنای فراوان روبه‌رو بود که پرداختن به مسئله فرهنگ از درجه‌هایی جز دولت امکان‌پذیر نبود، آنچه ما را در مواجهه با چهار دولت سازندگی، اصلاحات، عدالت و مهرورزی و سرانجام تدبیر و امید قرار می‌دهد، سازوکار آنها در حوزه فرهنگ است.

دولت سازندگی، با تمام توش و توانی که در راه سازندگی و عبور از مشکلات به‌جامانده از جنگ گذاشت، در حوزه فرهنگ نتوانست آن‌چنان که باید رضایت عمومی را در پی داشته باشد.

در دوره هشت‌ساله اصلاحات، وضع به کلی متفاوت شد و کوششندگان فرهنگ در آن روزگار توانستند با فراغ بال بیشتری مسیر فرهنگ‌سازی را طی کنند. هر چند که گروه‌های مخالف، هر ۹ روز یک بحران می‌آفریدند و ایجاد این بحران‌ها در زمین و زمینه فرهنگی کشور هم بی‌تأثیر نبود؛ اما امروز هنوز ثمرات سازندگی فرهنگی آن هشت سال باقی است و می‌توان آن را مطالعه کرد.

در هشت‌ساله دولت آقای احمدی‌نژاد، نگاه کاملا امنیتی به فرهنگ بازگشت. به دلیل شرایط خاصی که پیروزی ایشان در انتخابات ریاست‌جمهوری دوره دهم به وجود آورد، از همان ابتدا، فرهنگ به مقوله امنیتی بدل شد؛ تاجایی‌که در دوره دوم انتخاب ایشان، وضع فرهنگ به شکل مصیبت‌باری درآمد و کار فرهنگی آن‌چنان سخت و دردسرساز شد که بسیاری را از صرافت تلاش انداخت.

آنچه از اولین دوره حضور آقای روحانی در ساختمان پاستور برای اهالی فرهنگ به یادگار مانده، حرکت به سمت تعادل و آرامش است. فعالیت فرهنگی در دولت تدبیر و امید، دست‌کم در شکل فیزیکی آن، روندی متعادل‌تر پیدا کرد و این امید در دل فعالان فرهنگی زنده شد که بتوانند در مسیری نه‌چندان طولانی، وضعیت فرهنگی کشور را متاسب با شأن ملتی کنند که از چنان پیشینه فرهنگی‌ای برخوردار است.

نگاهی به این روند، دنیادهنده این نکته است که می‌توان با تعادل، تعامل و آرامش و خلاص‌کردن حوزه فرهنگ از نگاه امنیتی، به سمت برنامه‌ریزی درازمدتی در این زمینه حرکت کرد و امیدوارم که رئیس‌جمهور منتخب کشور در دوازدهمین انتخاب سرنوشت‌ساز ملت، کسی باشد که شیوه مدیریتی درستی برای بازی در میدان فرهنگ اتخاذ کرده باشد و مردم کارنامه عمل او را پیشاپیش دیده باشند.



دورنمای آنچه در انتخابات ریاست‌جمهوری مطرح می‌شود، این است که کاندیداها باید برنامه مدونی درباره حوزه‌های اقتصادی و سیاسی داشته باشند و به همین منوال، آنچه معمولا نادیده می‌ماند، حوزه فرهنگ و هنر است. حوزه فرهنگ عموما از آن حوزه‌هایی است که اگر توجه درخوری نیابد و از پیش برای آن برنامه‌ای وجود نداشته باشد، به محاق دو حوزه پرمطالبه اقتصاد و سیاست خواهد رفت و بی‌فروغ می‌ماند؛ بنابراین مطالبه برنامه‌های هر کاندیدا در مقوله فرهنگ یکی از اولویت‌های هر انتخاب درستی است و باید گفت که طبعاً هر انتخابی هم می‌تواند این حوزه را با مسائل و اتفاقات تازه‌ای روبه‌رو کند.

از آغاز انقلاب تا امروز، حوزه فرهنگ با کم‌مهری‌ها و سیاسی‌کاری‌هایی مواجه بوده و به نظر می‌رسد که بخشی از شرکت‌کنندگان در انتخابات با این نیت پای صندوق‌های رای می‌روند که بتوانند با یک انتخاب درست، فرهنگ را به دست فرهنگ‌سازان و فرهنگ‌محوران کشور بسپارند؛ اما طبیعی است که در شرایط فعلی کشور، هر کاندیدی که بخواهد فعالیت انتخاباتی خود را شروع کند، در درجه اول مجبور است به مسائل فوری کشور ازجمله معیشت مردم و تنظیم سیاست‌های داخلی بپردازد؛ اما این موضوع نباید باعث شود که او در زمینه فرهنگ بی‌برنامه و بی‌تصور باشد.

ما در کشوری زندگی می‌کنیم که آوازه سابقه تاریخی دوهزار و ۵۰۰ساله و نقش‌آفرینی‌اش در فرهنگ و تمدن بشری، سراسر گیتی را درنوردیده؛ اما همچنان حوزه فرهنگ این کشور، سهم اندکی از بودجه کل کشور و سهم اندک‌تری از درآمد‌های ناخالص کشور دارد. ما میراث‌دار انقلابی هستیم که یکی از شعارهای آن احیای فرهنگی بود و جای تأسف دارد که برای چنین شعاری، همچنان شاهد کمترین توجه‌ها و کمترین اختصاص بودجه‌های عمومی هستیم؛ بنابراین زینده نیست در دوازدهمین دوره ریاست‌جمهوری این کشور، دولتی سر کار بیاید که به مقوله فرهنگ کم‌توجه باشد یا برنامه‌های سازنده‌ای برای آن در چپته نداشته باشد.

نگاهی به تاریخ انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که یکی از عیارهای سنجش کارآمدی دولت‌ها،

همین حوالی

۳ سؤال بی‌پاسخ درباره موزه دفینه

مستضعضان رخ داد، بررسی‌ها نشان دادند ستون‌های اصلی ساختمان «دفینه» کمانه کرده و در حال ریزش است، بنابراین طرح مقاوم‌سازی ساختمان و بازسازی برای ایجاد چند واحد موزه‌ای و استانداردکردن خزانه موزه‌های بنیاد مستضعضان تهیه شد، «بالین‌همه چند نکته روشن است؛ اول اینکه چنین ساخت‌وسازی به در دوازدهمین میراث فرهنگی نرسیده و به نظر می‌رسد که این کار، مخالف موازین حفاظتی باشد. دوم اینکه بعید نیست که بخشی از خسارات واردشده به سازه این بنا، محصول ورود بانک سینا به این مجموعه معماری باشد و سومین موضوع، بحث مطلع‌بودن استاد کمال کمونه از روند ساخت‌وسازهای اخیر است.

گفت. کمونه آن زمان اعتراف کرد که به‌عنوان معمار این ساختمان، نمی‌تواند در برابر دخل‌وتصرف‌های بنیاد مستضعضان کاری کند، اما اگر آنها حاضر شوند، او آماده است برای هرگونه مشاوره با مشورتی در محل موزه حاضر شود و به سؤالات فنی کادر مهندسی آنجا پاسخ دهد تا لااقل موزه دفینه بیش از این آسیب نبیند! حالا اما یک روز بعد از انتشار آن عکس‌ها، مدیر روابط‌عمومی مؤسسه موزه‌های بنیاد مستضعضان به ایسا گفته که هیچ تخریبی در این فضا انجام نمی‌شود و فقط عملیات مقاوم‌سازی و بازسازی موزه در دست انجام است. به گفته تاجیک: «در چند سال گذشته و بعد از اینکه تغییر مدیریت در این بخش از بنیاد

شرق، سعید برآبادی؛ بازدید اتفاقی یکی از معماران مطرح تهران از موزه دفینه در خیابان میرداماد، باعث انتشار عکس‌هایی از روند تخریب این موزه ارزشمند و بلافاصله موضع‌گیری نهادهای مختلف دراین‌باره شد. دو سال پیش و هم‌زمان با درگذشت نظام عامری، برای تهیه گفت‌وگویی که هیچ‌وقت مجال انتشار آن فراهم نشد، میهمان کمال کمونه شدیم؛ آخرین بازمانده یکی از تأثیرگذارترین دفاتر معماری معاصر در دوره پهلوی دوم و از بازماندگان مکتب فرانک لوید رایت در ایران. او لایه‌لای سخن از دوستی و برادری‌اش با نظام عامری، مراحل ساخت موزه دفینه را هم شرح داد و دست‌آخر با چشم‌بانی پراشک از موزه دفینه

📌 ساعت‌کار در تمام شعب ۸ صبح الی ۲۱ و روزهای تعطیل ۱۶ الی ۱۹

شعبه دولت: خیابان شریعتی، خیابان دولت، بعد از چهارراه قنات، پلاک ۴۵۳	۲۲۵۶۴۴۷۶
شعبه سعادت‌آباد: سعادت آباد، نرسیده به میدان کاج، بین خیابان هجدهم و شانزدهم، پلاک ۵۵	۲۲۳۵۰۰۱۱
شعبه اسفندپیاز: خیابان ولیعصر، تقاطع نیایش و اسفندیار، پلاک ۲۵۶۵ (با پارکینگ اختصاصی)	۸۸۲۰۲۸۵۰
شعبه کاشانی: بلوار کاشانی، روبروی پمپ بنزین، پلاک ۱۶۰	۴۴۹۵۵۷۲۱
دفتر خدمات رفاهی پس از فروش: بلوار کاشانی، ساختمان گلزار، طبقه ۱	۴۴۹۶۴۸۷۵
پذیرش نمایندگی فعال:	۴۴۹۶۹۸۳۹